



عکس: سعید گل‌آشورآرا

روایتی از همدلی بانوان مشهدی و زائران رضوی
که این روزها در سایه امن امام هشتم^(ع) خواهری را در کنار هم تمرین می‌کنند

نذر قدم در طریق حرم

۴

۱۱۸

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۷۶۹ روزنامه شهرآرا

۱۴۰۱ ۰۷ ۰۴

۲شنبه

وقف هشتم

زنانی که اموال خود را
وقف امام رضا(ع) کرده‌اند

۶

زنان همیشه
نقش آفرین‌اند!

۲



فاطمه محمدزاده

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

(آفاق)

زنان همیشه نقش آفرین‌اند!

نقش آفرینی گاه با حضور خود میسر می‌شود، گاه با اثر خود در دیگران! قهرمانان تاریخ، دانشمندان، بزرگان، شهدا و افراد اثرگذار مادران بزرگی داشته‌اند که با تربیت درست توانسته‌اند اثر خوبی را به جهان تقدیم کنند. زنان در کنار رشد و تکامل خود، خانواده و جامعه را نیز رشد می‌دهند و حضور پررنگ آنان در فضای اجتماعی به عنوان عنصر اثرگذار و نه نمادین، زمینه‌ساز تحولاتی عظیم در جامعه است. تحولاتی که گرچه از دیرباز آغاز شده، هنوز خلأهای زیادی دارد تا رسیدن به شرایط مطلوب فاصله زیادی دارد. این در حالی است که انتظار می‌رود در سال‌های پیش رو آهنگ سریع‌تری به خود بگیرد. حضور اجتماعی زنان و نقش آفرینی آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در جوامع و فرهنگ‌های مختلف بوده است. در کشور ما نیز گاهی این حضور دستخوش برخوردهای همراه با افراط و تفریط و غالب شدن نگاه‌های غرب‌زده شده و مشکلاتی را نیز ایجاد کرده است. با این حال، زنان با اتکا به توانمندی‌های خود، تاریخ پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشته و امروز در جامعه اسلامی در کنار مردان به عنوان عنصری اثرگذار حضوری فعال دارند.

زنان همواره یکی از عناصر نقش آفرین در تحولات تاریخی و عرصه‌های اجتماعی در اسلام و ایران بوده‌اند. یکی از این نقش آفرینی‌ها در حوزه مناسک دینی و اعتقادی است که شاید بتوان جاودانگی نهضت عاشورا را نتیجه آن دانست. اگر قیام امام حسین^(ع) به تعبیر بسیاری از علما و بزرگان، پایداری و ماندگاری اسلام را تضمین کرده، سهم چشمگیری از آن مرهون فداکاری زنانی است که با حضور و نقش آفرینی خود به جاودانگی آن کمک کردند. می‌توان گفت زنان در واقعه کربلا ثابت کردند تکلیف اجتماعی، خاص مردان نیست، بلکه آنان نیز می‌توانند به جریان‌های اجتماعی ورود کنند و در حمایت از دین و اقامه حق در صحنه حضور یابند. به عبارتی، می‌توان قیام عاشورا را محصول مشترک ایشان و فداکاری زنان و مردانی دانست که برای همه مسلمانان جهان الگو و اسوه هستند زیرا مردانی که در قیام امام حسین^(ع) حماسه آفریدند، هریک حاصل تربیت زنان شجاع، بالیمان و فداکاری بودند که چنین فرزندی به اسلام تقدیم کردند. در دوران مبارزات انقلاب اسلامی با حکومت پهلوی و هم‌چنین پس از آن در دوران دفاع مقدس نیز زنان و مادران زیادی با الگوگیری از زنان عاشورایی، همواره با تشویق همسر و فرزندان خود، آنان را روانه میدان جهاد می‌کردند. خود نیز گاهی در پشت جبهه‌ها به پشتیبانی و تدارکات مشغول بودند. گاهی هم پای در میدان جنگ نهاده و با دشمن جنگیده‌اند. یکی دیگر از حضورهای تاریخی و نقش آفرینی زنان، واقعه زنان نوقان است که با تشییع پیکر امام رضا^(ع) گوی سبقت همت را از مردان ربودند و خود را جاودانه کردند. با شهادت امام رضا^(ع) زنان نوقان با بخشیدن مهریه‌های خود به شوهرانشان، با تهیه شاخه‌های گل، برای عرض ارادت به امام رئوف راهی تشییع پیکر شدند و با غریب‌نوازی‌شان، برای همیشه در تاریخ ماندگار شدند. آنان نخستین کسانی بودند که مویه‌کنان در کنار پیکر آن امام حاضر شدند و هرسال نیز در سالگرد شهادت ایشان، اشک‌ریزان در محفل میت‌نش به عزاداری می‌پردازند. از دوران مشروطه تا جنبش تنباکو، از انقلاب اسلامی ایران تا دوران دفاع مقدس و اکنون نیز در جبهه مقاومت، شاهد حضور پررنگ زنان هستیم. زنان جامعه اسلامی ایران همواره الگویی برای سایر زنان مسلمان جهان بوده‌اند و در این برهه حساس نیز که دشمنان آنان را دستاویزی برای کینه‌ورزی و عداوت خود قرار داده‌اند، همانند گذشته دشمن را خلع سلاح کرده‌اند. زنان در کنار تعالی و رشد خود، به واسطه نقش مادری و همسری، نقش مهمی در مدیریت خانواده، جامعه، انسان‌سازی و تعیین سرنوشت کشور دارند. بنابراین، توجه به مسائل زنان کشور و رشد و ارتقای آنان بی‌تردید به رشد جامعه اسلامی منجر خواهد شد. از همین رو، نیازمند نگاه ویژه‌تری به حوزه زنان در کشور هستیم تا بتوانیم به اعتلا و پیشرفت بیشتری برسیم.

شهربانو

آشنایی
۴ مهر ۱۴۰۱
۲۹ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۶۹

(۲)



ملیحه غیور

مدیر مشارکت‌های پائوان حفظ ارزش‌های دفاع مقدس استان خراسان

(پرتو)

پروانه‌وار مراقبت خواهیم کرد

تربیتی است که در دل آن فرزندی در این مرز و بوم تربیت می‌شوند که دختران و مادران تمام سرزمین را ناموس خود می‌دانند و در این راه خونشان را نثار می‌کنند.

در همه وصایای شهدا تأسی به حضرت زهرا^(س) و حضرت زینب^(س) و حفظ حجاب و عفاف مطرح می‌شود. این روزها در رسانه‌ها و فضای مجازی می‌بینیم که در جنگ اوکراین دختران این سرزمین با فروش عکس‌های برهنه خود به جبهه مقاومتشان کمک می‌کنند و به این شیوه تحقیرآمیز افتخار می‌کنند و ما الگوهایی در این سرزمین داریم که برای پایین آوردن جنازه یک دختر برهنه خرمشهری سه کماندوی ارتشی به شهادت می‌رسند تا جنازه دختر برهنه را از بالای دکل به پایین آورند.

ادبیات، برنامه‌های تربیتی و آموزشی را از تندی و تهدید به سمت روشنگری و تربیت صحیح خانواده سوق دهیم تا دختران و پسرانی به جامعه تحویل داده شوند که به تعبیر فرمایش رهبر معظم انقلاب، حجاب و وقار و متانتشان باعث سنگین شدن کفه آبرو و احترام آن‌ها باشد.

بی‌حجابی از انحراف بینش صحیح شکل می‌گیرد. حرکت در مسیر دوگانگی و ایجاد دو جبهه مختلف بین افراد کم‌حجاب و چادری به بینشی رسیده‌ایم که این روزها دختران چادری را از دیگران جدا و واژه‌های «ما» و «آن‌ها» را بر زبان‌ها جاری می‌کند. این در حالی است که به فرمایش شهید سلیمانی، همه دختران این سرزمین دختران ما هستند. جامعه تا کفر را نشانسد به حق دست نخواهد یافت. شیوه قیام حضرت ابراهیم آموزشی صحیح در این حوزه است. ابتدا آنچه منکر بود معرفی کرد: ستاره، ماه و خورشید نمی‌توانند خدا باشند. سپس بت‌ها را شکست و گفت خدایان شما نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند. الان مادر این مرحله هستیم. باید بت مانند سلبریتی‌ها پوشیدن و شبیه بتمن‌ها و تلوها ظاهر شدن را بشکنیم. شکستن این بت‌ها جز با شناخت صحیح شاکله پوشالی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. تربیت صحیح در خانه و الگوپذیری مناسب در مدرسه و جامعه، زنان مرد آفرینی را تحویل اجتماع می‌دهد که زیبایی خود را در تعهد و تخصص و زیبایی اندیشه می‌دانند.

گذری بر تاریخ فیلم‌های سینمایی و تمرکز بر پوشش باز یگران زن و مرد در کشورهای غربی و اروپایی این موضوع را مشخص می‌کند که حیا و عفت به عنوان یک موضوع بلامنازع در سراسر جهان مطرح بوده است تا اینکه در سال ۱۸۹۷ یعنی حدود ۱۲۵ سال پیش دانشوران صهیونیست بعد از تسلط بر جوامع مسیحی پروتکل‌هایی را با هدف تفرقه‌افکنی و استیلا بر مردمان جهان نقشه راهی را ترسیم کردند. در اولین پروتکل این گونه می‌آید که هدف وسیله را توجیه می‌کند و برای رسیدن به هدف، از هر وسیله‌ای استفاده کنیم خوب است. در جای دیگر از پروتکل بیان می‌شود عفت و ناموس را به وسیله قهرمانان، آموزگاران و در کل آموزش و پرورش از مغزها بیرون آورید که این چیزها در اجتماع مفهومی ندارد.

از طرفی اندیشمند فرانسوی فرانتس فانون می‌گوید: هر چادری که دور انداخته شود افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع است و برای او می‌گشاید و پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن استعمار ده‌برابر می‌شود.

پس نتیجه می‌شود اینکه موضوع حجاب و عفاف علاوه بر موضوعات اجتماعی و الهی یک موضوع امنیتی و سیاسی است. برای حفظ موضوعات اجتماعی، امنیتی، سیاسی و... محیط خانه، مدرسه و جامعه باید کنترل شود.

شاید به جرئت بتوان گفت مهمترین عامل حجاب و عفت رفتار پدر با دختر و مادر با پسر خانواده است. به عبارتی، سبک زندگی و تربیتی درون خانه باید اصلاح شود. در خانواده‌ای که پدر در آن جایگاه واقعی و اصلی خود را حفظ کند و در عین اقتدار ارتباطی عاطفی با دختر خود داشته باشد، درک متقابلی از حیا و حجاب رشد می‌کند. وقتی درون خانواده شأن مادر حفظ می‌شود و مادر به پسرش عشق می‌ورزد، درک متقابلی از عفت و ناموس در درون ایشان نهادینه می‌شود و البته رسیدن به هر دو موضوع وابسته به ارتباط محترمانه و منطقی بین پدر و مادر خواهد بود. این مدل سبک

عشق را آموختم

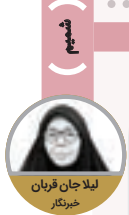
کارآفرین مشهدی از ازدادش
به ائمه^(ع) می گوید

تلفنی که صحبت می کنیم می گوید: تو هم اگر بیایی و پرده را ببینی منقلب می شوی، مثل اولین باری که خودم این پرده را دیدم. یک حس معنوی خاصی دارد و بوی عطری عجیب می دهد که هر کسی آن را می بیند و می بوید بی خود می شود. اشک هایش می ریزد و اگر نیت کند، بی شک حاجت می گیرد.

مشتاق می شوم پرده «یا قمر بنی هاشم» را که او ترمیم و جواهردوزی کرده است ببینم، پرده ای با قدمت که در میان دست های عزاداران، بخشی از نام مبارک قمر بنی هاشم که در دوخت اولیه روبان دوزی شده، ریخته است و خانم غلامی با چند هفته کار تکی و گروهی، آن را تکمیل کرده و به هیئت برگردانده است تا در ایام پایانی ماه صفر، دوباره زینت بخش و تسلی دل عزاداران شود.

✚ قصه عجیب پرچم

زهر غلامی ابراهیم آبادی زنی هنرمند با حدود ۴۵ سال سن است که نیمی از عمر خود را به کارآفرینی گذرانده است. او از بیست و دو سالگی خیاطی را از گوشه خانه پدری شروع کرده و حالا کارآفرین و آموزگاری است که خیلی ها هنر خیاطی به ویژه جواهردوزی را از او می آموزند و به درآمد می رسند. این بانوی هنرمند قصه زندگی خود را از سال گذشته و پرچمی که برکت زندگی او شد شروع می کند. «زیاد کار کرده ام. الان ۲۳



لیلا جان قربان
محرر

سال است، اما قصه این پرده در زندگی ام عجیب است. به سادگی دستم نرسید. واقعا قسمت بود که به خانه ام بیاید و برکت زندگی ام شود. همان روز اولی که چشمم به نام مبارک حضرت ابوالفضل^(ع) افتاد ناگهان دلم ریخت. عطری خاص همه اتاق را پر کرده بود. خیال می کردم عطری استفاده شده ولی وقتی سؤال کردم، متوجه شدم که این عطر خود پرده است که از پس سال ها عزاداری در آن پیچیده است. از من خواستند پرده را ترمیم کنم به این شرط که حتی یک نخ از آن کم نشود، آن را هر جایی نگذارم و دست هر کسی به آن نخورد. برای همین، برای همکاری، چند نفر از شاگردانم را گلچین کردم. آن ها هم از توسل به آقا حاجت گرفتند. خودم لحظه به لحظه ای که روی آن کار می کردم برایم خاص بود. سعی می کردم با وضو به آن دست بزنم و مشکلات زندگی ام با ورود این پرده به خانه ام حل شد. شاید به چشم نیاید ولی فقط حدود ۲ میلیون تومان برای این پرده منجوق خریدم.»

✚ نام ائمه برکت است

او یک کارآفرین معتقد است که هر سال برای هیئت های مذهبی به ویژه برای سفره هایی که به نام حضرت علی اصغر و طفل سه ساله کربلاست

✚ برکت چرخ زندگی

خانم غلامی با هشت مدرک فنی و حرفه ای، از زنان کارآفرینی است که در کنار دوخت و دوز و خیاطی، جواهردوزی، درباری دوزی و آموزش به زنان را در فرهنگ سراهای مختلف با هدف ایجاد اشتغال و درآمدزایی انجام می دهد. او همه برکت زندگی اش را از توسل به ائمه می داند و برکت کارش گرداننده چرخ زندگی اش بوده است. این بانوی خلاق بیش از هشت طرح ابتکاری خاص نیز که به نام خودش ثبت شیما شده است در جواهردوزی دارد.

یک مهمان نوازی ویژه پویش مردمی نجمه خاتون با هدف میزبانی از زائران به همت بانوان انجام خواهد شد



مسئول این قرارگاه مردمی درباره نقش آفرینی زنان در این ایام می گوید: بانوان ارکان اصلی خانواده و جامعه هستند که با مشارکت آن ها و همراه کردن خانواده های خود برای یاری رساندن با زائران در ایام پایانی ماه صفر می توانیم حسن میزبانی را به شکرانه یک عمر همسایگی با حضرت به جا آوریم.

این قرارگاه که به نام مبارک مادر حضرت ولی نعمت ما مزین شده است همه ظرفیت های بانوان را از بسیج گرفته تا مساجد به صورت محله ای پای کار آورده است و اعضای داوطلب خانه به خانه در هر محله با ارتباط گیری با مادران و زنان خانواده، از آن ها برای مشارکت در برنامه های مختلف دعوت می کنند.

تاکنون در مناطق سیزده گانه مشهد حدود ششصد بانوی رابط در ۱۷۰ محله شهر مشغول

زنان مشهدی در حوزه فعالیت های اجتماعی سابقه ای درخشان در تاریخ دارند. ماجرای عزاداری زنان نوقان همیشه در حافظه تاریخی ما خواهد ماند و کمتر کسی را می توان یافت که از اولین راهپیمایی انقلابی زنان مشهدی چیزی به گوشش نخورده باشد. با این سابقه تاریخی و فعالیت های عظیم، چه پیش از انقلاب چه اکنون، زنان در اجتماع درخشیده و نقش های خود را ایفا کرده اند. حال با یک اقدام ویژه دست به کار شده و در آخرین روزهای ماه صفر، هم زمان با ایام شهادت امام شهر ما حضرت رضا^(ع) پویش مردمی نجمه خاتون با هدف میزبانی شایسته از زائران حضرت رؤف را در محورهای مختلفی از قبیل اسکان، پذیرایی، مشارکت نقدی، ایاب و ذهاب و خدمات مهارتی با همکاری خانواده های خود در پیش گرفته اند.

شهید خانه هایی را که محل زندگی خودشان است داوطلبانه و رایگان در اختیار زوار قرار دهند جالب باشد.

این رفتارها، همه، ناشی از ارادتی است به یک آقا که هر کدام از ما هر کجا از دنیا که دل تنگ می شویم در خانه اش را می زنیم و حالا که برای این آقا مهمان راه دور می آید چه چیزی بهتر از یک میزبانی در شأن صاحب خانه همیشه مهمان نواز ما.

فعالیت شده اند و داوطلبانه خدمات مختلف مردمی را که از طریق سامانه های مختلف شهرداری، مساجد و بسیج برای زائران قابل دسترسی است گردآوری می کنند، مشارکتی که هر کدام حکایت از ارادتی قلبی دارد، مشارکتی که در دل خود خاطراتی عجیب و شنیدنی ثبت کرده است.

شاید برای شما هم شنیدن اینکه یک زن و مرد نابینا یا یک بانوی سرپرست خانوار یا یک همسر

۲۳ شهریور
۱۴۰۴
۲۹ شهریور ۱۴۴۴ شماره ۳۷۶۹

(۳)

✚ انتهای این جاده قلب زائران است

عطر قدم‌های زائران در مسیر جاده قدیم مشهد-باغچه در هوا پراکنده است. تا چشم کار می‌کند گروه‌های متعدد از شهرهای مختلف در مسیرند. زنانی کالسکه به دست جلوتر از بقیه حرکت می‌کنند. قبل از اینکه سلام کنیم دست تکان می‌دهند. شاید اینجا همان راهی است که یک طرفش به بهشت ختم می‌شود و از یک طرف به قلب آدم‌ها می‌رسد. ما چه می‌دانیم که تاریخ چه چیزی را از ما پنهان کرده است. شاید قدم به قدم این جاده را عاشقانی طی کرده‌اند که بلندای روحشان پله‌پله تا خدا می‌رود. به کاروان مراغه نزدیک می‌شوم. زنی کوتاه قامت که شاید چهل سال داشته باشد پرچمی در دست گرفته است و زنان را هدایت می‌کند. سلام کش‌دارش زودتر به من می‌رسد و می‌گوید: خوش به حال شما مشهدی‌ها! جواب می‌دهم: خوش به حال شما که مهمانید. ما همسایه‌های خوبی نیستیم. بی‌آنکه سؤال دیگری بپرسم شروع می‌کند به توضیح دادن و خاطره سه سال پیاده‌روی‌اش را تعریف می‌کند: راستش، همه راه را که از مراغه پیاده نمی‌آییم. بخشی با اتوبوس و از یک جایی به بعد با کاروان‌ها همراه می‌شویم. سه سال پیش اصلاً نمی‌دانستم پیاده‌روی به حرم امام هشتم^(ع) چه حس و حالی دارد اما از همان زمان حسرت به‌دل ماندم چرا طعم و لذتش را دیر فهمیدم. خواسته‌دنیایی‌ام را هم از امام رضا^(ع) گرفته‌ام اما باز هم می‌آیم. خودش بخواهد و بطلبد تا آخر عمر می‌آیم.

✚ روزی که هیچ کسی در این جاده نبود

حوالی یکی از موبک‌های بین‌راهی که هر سال میزبان هزاران زائر است توقف می‌کنیم. هنوز وارد نشده یکی از زنان که مورد احترام جمع است توجهم را جلب می‌کند. کمی که خودمانی می‌شوم، می‌فهمم شهربانو خانم از سال ۷۸ و به قول خودش از آن زمانی که در جاده هیچ زائر پیاده‌ای نبود با ۱۰ نفر از اهالی منطقه پای پیاده از شهرستان جوبین حوالی سبزوار به مشهدالرضا می‌آمده است. قصه‌های او از این راه به اندازه‌ای شیرین است که وسط گفت‌وگو شماره تلفنش را می‌گیرم و می‌گویم چه خوب است شما را از قاب دور بین تصویر برداران بین راه هم ببینیم. شهربانو خانم می‌گوید: شروع حرکت از آنجایی بود که به واسطه توسل به امام رضا^(ع) از یک بیماری سخت نجات پیدا کردم. همان جا گفتم مسیر جوبین تا مشهد را پیاده خواهم آمد. اولش همسایه‌های دور و اطراف همراه شدند اما سال به سال تعدادمان آن قدر زیاد شد که به ششصد نفر رسیدیم. حتی از شهرهای اطراف به ما پیوستند. زمانی هوا به اندازه‌ای سرد بود که با برف وضو می‌گرفتیم تا نماز بخوانیم. همه مایحتاج یک سفر ده‌روزه را با خودمان برمی‌داشتیم چون امکانات مثل حالا نبود.

شهربانو خانم که بزرگ کاروان ثامن‌الائمه جوبین است قصه تک‌تک آدم‌هایی را که او را همراهی کرده‌اند می‌داند. او می‌کوشد اختلافات را بین زوج‌ها کم کند. می‌گوید: حتی زن و شوهرهایی داشتیم که بعد این سفر با هم آشتی کردند و حالا فرزند دارند. باید این سفر را بیایی تا بدانی از چه می‌گویم.

روایتی از همدلی بانوان مشهدی و زائران رضوی
که این روزها در سایه امن امام هشتم^(ع)
خواه‌ری را در کنار هم تمرین می‌کنند

نذر قدم در طریق حرم

وحیدی/ جان‌قربان! شهر آذین بسته به نام امام هشتم^(ع)، حالا مهمان دارد. در گیر و دار روزمرگی‌ها از ابتدای صفر همه چیز به یک روز ختم می‌شود. امام مهربانی که از قرن‌ها پیش بر سر ما منت گذاشته و سایه لطف و رحمتش را گسترانیده است، حالا میزبان میلیون‌ها زائر است که بخش عمده‌ای از آن‌ها را بانوان تشکیل می‌دهند. نام زنان نوقان دوباره جان گرفته است و آن اتفاق تاریخی که زنان مهریه خود را بخشیدند تا مهر امام رئوف را پاسخ دهند دوباره در کوچه پس‌کوچه‌های شهر دیده می‌شود. قصه این دلدادگی را که مهر خواهرانه را در شهر وسعت می‌دهد نمی‌شود در کلام و در قلم نشان داد. شاید برای نوشیدن یک جرعه از لطف شمس‌الشموس باید رها شد و در کنار مردم قدم برداشت.

عزرا

✚ شهربانو

۲۷ شهریور
۱۴۰۴
۳۹ شماره ۱۴۴۴

(۴)



✚ همه جا رفته ام هیچ کجا حرم امام هشتم (ع) نمی شود

صدای مداحی در فضا پخش شده است. زن جوان بی آنکه حرفی بزنم چون می فهمد خبرنگارم. کنارم می آید و بی معطلی می گوید: خانم، بنویس! من یک نفر با همسرم همه جا رفته ام. با هواپیما و امکانات عالی هم رفته ام اما نمی دانم چه حکمتی دارد این سفر پیاده به حرم امام رضا (ع) که آدم را می کشاند به سمت خودش. طی سال هم دو سه مرتبه ای به مشهد می آیم اما از اول محرم چشم می کشم که چه وقت آخر صفر می شود. ما از کرمان می آییم نزدیک قدمگاه و این مسیر را سه روزه طی می کنیم.

سپس جورابش را درمی آورد. پانسمان پایش را می بینیم. جای تاول ها را پوشانده است و می گوید: مبدا فکر کنی این زخم ها گوشه ای از اراده ام را برای پیاده روی کم کرده است. نه، در این مسیر همیشه به خودم و زندگی فکر کرده ام. این مسیر را می است که آدم را به فکر وادار می کند. نمی توانی بعد از آن به زندگی عادی و روزمره برگردی. می دانی که برای زندگی درست باید هزینه کرد.

✚ دختران نسل امروز

زهره و معصومه هر دو هجده ساله اند. آن ها از یازده سالگی در سفر زیارتی از همدان به همراه خانواده به مشهد آمده اند. از آن دخترهای شادابی هستند که مدام باعث می شوند بانوان همراه از بذله گویی هایشان سر ذوق بیایند. با شوخی و مزاح به معصومه که یک لحظه لبخند از روی لبش محو نمی شود می گوید: در مدرسه به اندازه ای از خاطرات سفر پیاده به مشهد گفتیم که حتی معلم هایمان را راهی کردیم. چه برسد به دوست و آشنا و همسایه! دخترها به امور بانوان مسن در کاروان رسیدگی می کنند. حواسشان به کوچک ترها نیز هست. به قول مادرشان، یک جور زندگی در اجتماع بانوان را یاد می گیرند. درباره اش نوشته اند و حتی دوست دارند روزی آن ها را منتشر کنند. زهره که امسال برای رفتن به دانشگاه آماده می شود می گوید: تازه فهمیده ام چرا امام رضا (ع) ملقب به امام مهربانی است. علتش این است که همه این سفر تمرین محبت به دیگران است.

✚ به نیابت برادر شهیدم

جوان است، آن قدر جوان که وقتی می گوید خواهر شهید است نمی توانم او را در کنار خواهر شهیدی قرار دهم که در ذهن دارم. رضوانه محمدی خواهر شهید مدافع حرم است. برادرش چهار سال پیش به شهادت رسیده است. برنامه هرسال این خواهر و برادر این بوده است که ایام شهادت امام رضا (ع) از نیشابور پای پیاده به مشهد بیایند. آن ها در سراسر مسیر وصیت نامه های شهدا را بین زائران پخش می کرده و در موکب ها به معرفی شهدا می پرداخته اند. آرزوی محمد از همان سال ها شهادت بوده است و حالا که او به آرزویش رسیده است، خواهرش ایام پایانی ماه صفر مسیر نیشابور تا مشهد را تنهایی پیاده می آید. او عکس برادر شهیدش را روی کوله اش چاپ کرده است. فقط دو خط از وصیت نامه او را چاپ کرده است و در موکب های بین راهی توزیع می کند. دو خط وصیت نامه برادر شهید او این است: من جانم را که عزیزترین دارایی ام بود در راه خدا و حفظ امنیت کشور دادم. شما از این عزیزترین چگونه مراقبت می کنید؟ رضوانه می گوید: این چند سال فقط به نیابت از برادر شهیدم به مشهد آمده ام.

✚ زیارت من اینجا است

پزشک است. هرسال بار و بنه اش را می بیند و راهی موکب های بین راهی می شود. ساکن مشهد است اما دهه آخر ماه صفر که می شود تا روز شهادت امام رضا (ع) در جاده ها می ماند تا به زائران پیاده رسیدگی کند. ربیحه عظیمی پزشک است و تخصصش را در بیماری های گوارشی و داخلی گرفته است ولی وقتی در موکب است، حتی آبله پای زائران را هم تخلیه می کند و زخم های آن ها را شست و شو می دهد. برایش مهم این است که به یک زائر خدمت کند. پنج سالی می شود سرزده به موکب ها می رود و چند ساعتی در هر کدام می ماند. می گوید: پارسال هم زمان با یک گروه از زائران پیاده به موکب

✚ نذر نان داغ

نانواست. امسال نذر کرده است در یکی از موکب ها نانواپی کند و نان داغ به زائران پیاده بدهد. هر که از راه می آید و او را با چادر پای تنور می بیند تعجب می کند. انگار قرارداد نانوشته ای وجود دارد که فقط مردها می توانند پای تنور بایستند! به قول خودش خیلی از زائران قبل از اینکه بپرسند نان دارد از او می پرسند: می توانی نان بپزی؟! اما زهره خانم از این حرف ها ناراحت نمی شود. امسال به نیت نذری که داشته پای تنور موکب ایستاده است. از نذرش و گرهی که امام رضا (ع) از زندگی اش باز کرده است نمی خواهد صحبت کند. فقط می گوید: پارسال حرم رفتم و از آقا خواستم گره کارم را باز کند. چهل روز حرم رفتم. راستش توقع داشتم روز چهلیم جواب بگیرم و مشکل حل شود اما راه را نشانم داد. از حرم که بیرون آمدم، دیدم چندبار از نانواپی زنگ زده اند. زنگ زدم ببینم ماجرا چیست. گفتند از یک موکب درخواست روزی صد نان صلواتی داده اند. قبول کردم. یک لحظه به دلم افتاد که همین راه حل مشکلم است. همان جا نذر کردم که اگر گره از کارم باز شود، آخر صفر به یک موکب بین راهی پیام و برای زائران نان بپزم. آقا خودش راه را نشانم داد و خودش مشکلم را حل کرد.

✚ موکب داری با چهار فرزند

خانه دار است. چهار بچه قد و نیم قد دارد: مهدیه، نرجس و سجاد. نام آخری را هم که هنوز شیر خوار است، به یاد سالار شهیدان، حسین گذاشته است. بچه هایش در همین موکب ها بزرگ شده اند. نیت او همین بوده است، همین که با عطر ائمه (ع) قد بکشند و مرام دینی داشته باشند. زهره احمدی ازدواجش هم از همین موکب امام رضا (ع) بوده است. او همه زندگی خود را مدیون حضرت می داند و حالا خدمت به زائران آقا را نه یک وظیفه بلکه دینی برگردن می داند که باید هرسال آن را انجام دهد. او می گوید: مجرد که بودم، نیت کردم هرسال به موکب های بین راهی امام رضا (ع) بیایم و به زائران خدمت کنم. پدرم من را به موکب یکی از دوستانش معرفی کرد. در همان موکب، با یکی از خادمان آقا آشنا شدم و تنها به این شرط که هرسال اجازه خدمت داشته باشم با او ازدواج کردم. الان دختر بزرگم دوازده ساله است و من پانزده سالی می شود که خدمت زائران آقا هستم و مسئولیت واحد خواهران موکب را به کل به من سپرده اند. همه این پانزده سال برایم پر از خاطرات شیرینی است که تک تک آن ها برکت زندگی ام شده و گره های کارم را باز کرده است.

رسیدم. وسایلم را برداشتم و داخل بهداری رفتم و به مسئول آنجا گفتم اگر کمکی می خواهد در خدمتم. بنده خدا نگاهی کرد و گفت: بیا و برای شروع کار، این سرم را بگیر و کف پای زائران را شست و شو بده. با اشتیاق کار را شروع کردم. نگاهی به من انداخت و با امیدواری گفت: خوب، مثل اینکه یک کارهایی بلدی! لبخندی زدم و گفتم: اگر خدا قبول کند، تخصص دارم! بنده خدا بهدار بود. کلی عذرخواهی کرد. از این اتفاقات در موکب ها برایم زیاد پیش می آید. تازه بعضی از روستایی ها وقتی می گویم پزشک هستم تحویل نمی گیرند. می گویند: بگو یک مرد بیاید! ولی برای من مهم نیست. برای من زیارتی مهم است که اینجا معنی قشنگ تری دارد.



شهربانو

آشنیه
۱۴۰۴ مهر ۰۴
۱۹ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۷۶۱

(۵)

وقف هشتم

زنانی که اموال خود را وقف امام رضا(ع) کرده‌اند

➤ اولین، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین

براساس اسناد موجود حدود ۹۰ زن اموال خود را به نام امام هشتم در زمینه‌های مختلف وقف کرده‌اند. قدیمی‌ترین وقف‌نامه‌ها مربوط به بیک‌آغاخانم دختر اسماعیل بیگ است که در سال ۹۹۷ قمری وقف آستان مقدس شده است. در این وقف‌نامه بیک‌آغاخانم همه موضع سلیمان آباد قزوین را وقف آستان قدس رضوی کرده و مصارف آن را نیز در کمک به زائران حرم مطهر علی بن موسی الرضا(ع) تأمین فرش و روشنایی حرم و کمک به طلاب شیعه تعیین کرده است. بزرگ‌ترین موقوفه‌ای که تاکنون توسط بانوان وقف آستان مقدس رضوی شده ۱۲۵۵ قمری وقف شده است. این بانو در وقف‌نامه خود املاک و رقباتی را در کرمان و شهر بابک وقف بارگاه رضوی کرده است.

در این میان، مهم‌ترین و آغازین ابنیه وقفی زنان متعلق به گوهرشاد بیگم، همسر شاهرخ تیموری، است. او دستور داده بود معماران به عمران حرم مطهر بپردازند. به دستور او داخل حرم رواق‌های دارالحفاظ، دارالسیاده و دارالسلام ساخته شد تا زوار جایی برای غذا خوردن، استراحت کردن و مکانی برای قرآن خوانی و پرسش و پاسخ دینی داشته باشند. ندیمه گوهرشادخانم به

بعضی‌ها نگاه‌های عجیبی دارند. از همین جایی که ایستاده‌اند آن قدر دور را می‌بینند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند که انگار یک دور تا آن دورها رفته و آینده را دیده‌اند. انگار در ماشین زمان نشسته و صدها سال به آینده آمده‌اند و این روزهایی که ما هستیم و آن روزهایی را که دیگر ما نیستیم دیده و یک تصمیم خاص گرفته‌اند: تصمیمی به نام وقف. قشنگی ماجرا این است که از همان سال‌های دور و از قرن‌ها پیش، وقف بین زنان ایرانی رواج داشته است. آن‌ها از اموال و اثاثیه‌ای که ارث خودشان بوده است وقف می‌کرده‌اند. شاید شما هم مثل من هنوز تصویری از جانمازهای مسجد که گوشه آن‌ها با سوزن و نخ نوشته شده بود «وقف» یا دیگ مسی هیئت که انگار با تلاش بسیار یک پیچ گوشتی توی آن فرو کرده بودند تا بنویسند «وقف» به خاطر داشته باشید و البته در هر بار زیارت حرم امام رضا(ع) و گذر از مسجد گوهرشاد، مادران از همان دوران کودکی در گوشتان زمزمه کرده باشد که اینجا وقف یک خانم به اسم گوهرشاد است. در این گزارش به زنان واقفی می‌پردازیم که وقف‌های امام‌رضایی داشته‌اند.



شهربانو

۲شنبه
۵۴ مهر ۱۴۰۱
۳۶۹ شماره ۱۴۴۴

(۶)



تصویری قدیمی از مسجد گوهرشاد

میرزا منتصرالملک، است که در سال ۱۲۹۷ شمسی این بیمارستان را ساخت و در سال ۱۳۲۷ شمسی آن را در قالب وقف به آستان قدس رضوی واگذار کرد.

تأمین هزینه ازدواج افراد بی‌بضاعت، اطعام فقرا در شب میلاد امام رضا(ع)، تهیه دارو و درمان بیماران نیازمند، تأمین هزینه‌های امور فرهنگی، تأمین هزینه‌های مربوط به کتابخانه، کمک به محصلان بی‌بضاعت، تأسیس کتابخانه، پرداخت وام به کارکنان آستان قدس رضوی، ترویج شعائر اسلامی و احداث دارالقرآن از دیگر مصارف موقوفات بانوان است.

نام بانو پریزاد نیز مدرسه‌ای داخل حرم به نام خود ساخت و وقف کرد.

➤ چهارواقف زن درمهمانسرا

بین واقفان نیکوکاری که برای مهمانسرا وقف داشته‌اند نام چهار واقف زن نیز به چشم می‌خورد: قمرنساخانم دختر میرزا بدیع، رقیه بیگم دختر میرزا عزیزا... فندرسکی، بی‌بی مرضیه خانم ملقب به صدراالحاجیه و بانو کوچک آفاصنعی. از دیگر وقفیاتی که زنان انجام داده‌اند بیمارستان منتصریه در زمینی به مساحت ۳۵۰۰ درخ‌مربع است. واقف این بیمارستان بانویی به نام رابعه، همسر حاج محمدحسن

سال وقف	نام واقف	نوع موقوفه	نیت (بخشی از نیت که مربوط به حضرت رضا(ع) است)
۱۳۹۹ شمسی	شهربانو ولی‌پور	آب و زمین مزروعی	خرج و صرف زوار پیاده حرم امام رضا(ع) و برگزاری مراسم شهادت و ولادت آن حضرت در شهرستان جغتای
۱۲۹۳ قمری	محمد و سکینه فرزندان مرحوم صفرعلی	آب و اراضی	خرج زوار امام رضا(ع)
۱۳۸۹ شمسی	بتول، طوبی و زهره حسینی	آب	به هر مقدار تکافو نماید اهالی مزینان را همه‌ساله به زیارت علی بن موسی الرضا(ع) نایل فرمایند
۱۳۲۳ قمری	حاجیه بی‌بی فرخ سلطان	آب و اراضی	سالی دو نایب حضرت ثامن‌الائمه(ع) هر نایبی پنج تومان یا هفت تومان و پنج هزار به منظور متولی
۱۳۳۰ شمسی	مروراید حمیدی	یک باب خانه	کمک به زوار برساند
۱۳۶۲ قمری	پروین بقراطی	چند باب مغازه	سه نایب برای نیابت ارض اقدس و به هر نایبی پنج تومان همه‌ساله بدهند
۱۳۳۴ شمسی	کوچک‌آغا صنعی ملقب به افخم‌السلطنه	مزرعه و قنات	به مصارف زوار عرب آستان قدس باید برسد
۱۳۸۹ شمسی	اقدس منصف	یک باب منزل	اسکان زوار امام رضا(ع) به‌خصوص زوار روستای قرمباغ، قلعه‌یزدان و شورگشت
۱۳۹۴ شمسی	معصومه امانی	یک باب آپارتمان	جهت زائران امام رضا(ع) با اولویت نیازمندان و انجام فعالیت‌های قرآنی به تشخیص متولی
۱۳۷۷ شمسی	شیرین مظلوم‌پور و زهره تقوی نیکو	یک قطعه زمین	کلیه اقربای نسبی و سببی و اقفا از هر درجه و طبقه و ذریه آنان که برای زیارت به مشهد مسافرت می‌کند
۱۳۳۵ شمسی	امین‌آغا میرزا رضایی	آب و اراضی	به شخص متدین بدهند تا زیارت مرقد ثامن‌الائمه به جا آورد
۱۳۹۶ شمسی	علیرضا فیلسرایی و فاطمه روشن‌ضمیر	یک واحد آپارتمان	استفاده زائران متأهل با اولویت خانواده‌های شاهد و ایثارگر
۱۳۸۵ شمسی	رقیه قارونی خشکه‌باری	منزل و مغازه	کمک به زوار مشهد مقدس در محل
۱۳۹۱ شمسی	فاطمه گرامی کویرنژاد	یک واحد آپارتمان	اولویت اول برای اقوام و بستگان واقف که زائر امام رضا(ع) هستند و بعد سایر زائران امام رضا(ع)
۱۳۸۶ شمسی	مهناز شمشکی	یک باب منزل	احداث مکانی با امکانات و تجهیزات خدماتی برای اسکان موقت زائران حضرت رضا(ع)
۱۳۱۹ قمری	کربلایی گوهرشاد	آب و اراضی	نایب‌الزبارة مشهد مقدس
۱۳۸۹ شمسی	عصمت مصطفوی یزدی	یک واحد آپارتمان	اسکان موقت و استفاده زائران روحانی یزدی با معرفی دفتر نمایندگی محترم ولی فقیه در استان یزد
۱۳۸۹ شمسی	فاطمه راشد	یک واحد آپارتمان	اسکان موقت و استفاده روحانیون یزدی زائر امام رضا(ع) با معرفی دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان یزد
۱۳۲۳ قمری	بی‌بی فرخ سلطان‌خانم	آب و املاک متعدد	سالی دو نایب امام رضا(ع)
۱۲۶۵ قمری	معصومه بیگم	املاک متعدد	در هر جمعه هم یک زیارت جامعه کبیره با غسل در حرم مطهر به جا آورد و واقفه را به دعای خیر یاد کنند
۱۳۳۹ شمسی	طاهره میرزا رضایی	آب و اراضی	یک قسمت به اشخاص متدین بدهد که مرتباً در صورت امکان همه‌روزه زیارت قبر ثامن‌الائمه بنماید
۱۳۹۲ شمسی	فاطمه عاشوری	آب و اراضی	بالمناصفه صرف و خرج ایام شهادت و ولادت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در شهرستان بجستان برساند
۱۳۹۴ شمسی	عفت نورزاده محمدیه	یک باب منزل	صرف هزینه‌های برگزاری مراسم جشن و سوگواری و غیره مربوط به امام رضا(ع) در طول سال

رسیدی به موکب امام رضا (ع) یادم کن



همه فکر و ذهنم شده بود این شعر. آخر اربعین امسال هم نمی توانستم بروم کربلا. یادم هست سال آخری که رفتم، وقتی رسیدم به موکب امام رضا^(ع)، دخترهای خادم را دیدم. با خودم گفتم: یعنی می شود من هم سال دیگر مثل آن ها اینجا در موکب امام رضا^(ع) خادم زائران پیاده ارباب باشم؟ دو سال گذشت و به علت همه گیری کرونا دیگر نتوانستم بروم اربعین. دیگر طاقت نیاوردم. پا شدم رفتم حرم. رو به امام رضا^(ع) گفتم: من که خواسته زیادی نداشتم. مامانم از بچگی به من می گفت امام رضا در مهربانی حرف ندارد. من امید داشتم به مهربانی شما. همین طور که داشتم صحبت می کردم، صدای گوشی ام آمد. روی صفحه نوشته بود خانم رستمی. جواب دادم. مثل همیشه با عجله گفت: سلام. خوبی؟ ساعت ۳ جلسه داریم برای طرح خادم الرضا. خودت را برسان. بعد هم قطع کرد. مات و مبهوت بودم. چه شد؟ من می گفتم خادم امام رضا^(ع) توی موکب اربعین باشم. موضوع چه بود؟ با کلی سؤال توی ذهنم رفتم جلسه. بعد از جلسه با هم رفتیم یک برنامه که خادمان امام رضا^(ع) را برای اربعین بدرقه می کردند سمت کربلا. مجری برنامه گفت: می دونم خیلی ها دلشان کربلاست ولی ما اینجا قرار است خادم زائران رضوی بشویم. آنجا فهمیدم امام رضا^(ع) حواسش به همه چیز هست. گفتم: امام رضا جان، آرزوهایم پیش شما هرگز نمی میرند چون سپرده ام به امانات رضا. اتاقم شد معطر به عطر مسافران رضوی و کوچه مان پر شد از صدای قدم های زائران رضوی. از آن روز به بعد همیشه به خودم می گویم: از رضا^(ع) خواسته بودم شاید/ بگذارد که غلامش بشوم// همه گفتند محال است ولی/ دلخوشم من به محالات رضا.

همه با هم در کنار هم

رؤیا حیدرزاده، رئیس بسیج جامعه بانوان خراسان رضوی، می گوید: بسیج بدنه فعال مردم است و از ارکان اصلی مسجد می باشد. یکی از ابعاد رسالت اجتماعی بسیج خدمت رسانی به مردم توسط مردم است. لذا از همه ظرفیت های خود استفاده می کنیم تا میزبانی ای شایسته برای زائران انجام گیرد. در این راه نقش بانوان فعال در محله در عرصه خدمت با تأسی به الگوهای معاصر همچون زنان مجاهد در دفاع مقدس و الگوهای تاریخی همچون حماسه آفرینی زنان نوقان مثال زدنی است. تقارن این ایام با هفته دفاع مقدس و خدمات خالصانه بانوان به زائران یادآور اقدامات ایثارگرانه بانوان در ستادهای پشتیبانی از جبهه و جنگ است. برای انعکاس فعالیت ها، ثبت و ماندگار شدن خدمات رسانی و تکریم زائران با زبان هنر، رویدادی فرهنگی تحت عنوان پویش فرهنگی «خدمت مقدس» طرح ریزی و اجرایی گردیده است. در این پویش، مردم در سراسر استان خدمات خود به زائران را به صورت آثار هنری در قالب های تجربه نگاری، عکاسی، تولیدات چند رسانه ای، داستان کوتاه و مستند به دبیرخانه مرکزی بسیج جامعه زنان ارسال می کنند. پس از داوری، به بهترین آثار به قید قرعه جوایزی اهدا می شود.



همیشه با هم در کنار هم

موکبی که عطر دوستی پخش می کند

حضرت زینب^(س) در واقعه عاشورا برای زنان امروز الگوسازی کرد تا مابعد از ۱۴۰۰ سال بتوانیم از این الگو هم چنان استفاده کنیم و بدانیم که زن به عنوان یک عنصر فعال در جامعه نه تنها تربیت کننده فرزندان و خانواده بلکه یک فعال اجتماعی و تربیت کننده جامعه است که خودش هم حضوری عینی و جدی در جامعه دارد و می تواند نقش ایفا کند. در همه مناسبت ها بانوان جامعه با الگوگیری حضرت زینب^(س) نقش خود را در رابطه با مسئولیت های اجتماعی و ولایت پذیری که مهم ترین آن هاست، ایفا می کنند و توانستند علاوه بر نقش تربیتی خود این نقش ها را هم به خوبی ایفا کنند.

برگزاری موکب های فرهنگی، عفاف و حجاب مشهد

این روزها شاهد حضور بانوان پرتلاشی در آیین دهه پایانی صفر و شهادت امام رضا^(ع) و خدمت رسانی به زائران حضرت شمس الشمووس است. امسال بیش از همیشه شاهد همکاری بانوان در موکب ها در دهه پایانی ماه صفر در مشهد هستیم که بانوان زیادی به صورت گروهی و خودجوش در حال ارائه خدمات مختلفی مثل استراحت و تغذیه بانوان، توزیع اقلام بهداشتی و پزشکی، خیاطی، طب سنتی در این موکب ها هستند تا بانوانی که به زیارت امام رئوف مشرف می شوند، بتوانند در محلی آرام برای ادامه مسیر زیارت آقا علی بن موسی الرضا آمادگی لازم را پیدا کنند. در این پایگاه ها و موکب ها موضوع پذیرایی و ارائه بسته های فرهنگی به بانوان زائر انجام می شود تا زائران بتوانند با اطمینان خاطر بیشتری به سفر معنوی خود بپردازند. از جمله این برنامه ها می توان به برنامه های متنوع فرهنگی و برپایی نمایشگاه های فرهنگی، عفاف و حجاب اشاره کرد.

در کنار هم زیر یک علم

شالش روی شانهاش بود و هدفون موزیک توی گوشش. اسمش مریم بود و چیزهایی زمزمه می کرد. پیرسینگ کنار آبرویش، مانتوی کوتاه و تیپ و آرایش غلیظ روی صورت معصوم و کم سن وسالش توجه همه را جلب می کرد. یکی از دختران موکب بنت الحسین طبق معمول با لیخند و سلامی گرم به سمتش می رود و او را به درون موکب هدایت می کند. یک لحظه پیش خودم فکر می کنم اصلا این آدم را با حجاب و موکب حجاب چه کار؟! اما مریم با علاقه وارد می شود و چند دقیقه ای با اشتیاق به صحبت های مسئول موکب، خانم ساعدی، گوش می دهد. خانم ساعدی روسری و سنجاق سری به او هدیه می دهد، برایش آرام می بندد و می گوید: قطعاً دوست نداری مانعی برای ظهور امام زمانت باشی! مریم بعد از چند دقیقه، عینکش را روی صورتش جابه جا می کند. با پشت دست اشک هایش را قبل از اینکه از زیر شیشه عینکش سر بخورند پاک می کند. انگار سال هاست منتظر شنیدن حرف های درگوشی با حال و هوای امام زمانی (عج) بوده است.

موکیشان طبق معمول آخر صفر بین امام رضای ۴۲ و ۴۴ برپا شده است. موکبی که قرار است مبلغ حجاب باشد. چند نفر از دختران محجبه کمی جلوتر از موکب به استقبال خانم ها می روند و دعوت می کنند چند لحظه در ایستگاه حجاب توقف کنند. مهربانی کلامشان طوری است که کمتر کسی جواب رد به آن ها می دهد. کبری ساعدی، فرمانده پایگاه فاطمة الزهرا^(س) ناحیه مقدار و مسئول موکب حجاب و عفاف بنت الحسین می گوید: از بچگی، امام رضا^(ع) را امام رئوف می شناسم و همیشه مهربانی آقا را در زندگی ام حس کرده ام. این روزهای پایانی ماه صفر با خودم گفتم حق معرفت نیست در ایام شهادت امام رضا^(ع) در خانه بنشینم یا به کار دیگری مشغول شوم. پس تصمیم گرفتیم با راه اندازی موکب، این روزهای خاص را به طور ویژه در حوزه حجاب و عفاف تلاش کنیم و وقت بیشتری بگذاریم تا آن شاء... بسیار نتیجه های بهتری بگیریم.

موکبی که در آن همه با پوشش های مختلف دوستانه کنار هم قرار می گیرند

مسئول موکب بنت الحسین افزود: این روزها خیلی از مخالفان حجاب از هر تصویر و فرصتی استفاده می کنند تا محجبه و غیرمحجبه را مقابل هم قرار دهند. این در حالی است که در موکب بنت الحسین همه چیز فرق می کند، چون بانوان خواهرانه و دوستانه کنار هم قرار می گیرند، نه مقابل هم.

بستن مدل های جذاب شال و روسری توسط دختران دهه هشتادی و دهه نودی

مسئول موکب بنت الحسین اضافه کرد: این موکب ها شامل ایستگاه های مختلف از جمله اهدای هدایای فرهنگی به بانوان و اهدای بسته های فرهنگی عفاف و حجاب، اهدای روسری، آموزش بستن مدل های جذاب شال و روسری توسط دختران محجبه دهه هشتادی و دهه نودی، اهدای جوراب و ساق دست و... است.



ریحانه عامل نیک
کارشناس فقهیات

حکیمه خواهر عالم علی ابن موسی الرضا (ع)

تاریخ نه فقط آنجا که منحصر به روایت جنگ‌ها و لشکرکشی‌هاست که در ثبت و ضبط زندگی دانشمندان و علما هم بیشتر در پی حفظ نام و نشان مردان بوده است. به همین علت، عجیب نیست که از زنان دانشمند حتی در امور دینی هم گاه تنها نام و نشان اندکی باقی مانده است و گاه حتی زمان تولد و مرگشان مشخص نیست. با وجود این، مشخص است که همین نام و نشان اندک مانند نوک صخره بلندی در پهنه اقیانوس است. چه اگر این زنان بسیار رفیع نبودند، در همین حد هم نامشان در تاریخ باقی نمی‌ماند. یکی از این زنان بلندقامت در تاریخ شیعه، حکیمه دختر امام موسی کاظم^(ع) و خواهر امام رضا^(ع) است. حکیمه به گواه کتب تاریخ از زنان برجسته شیعه در قرن دوم و سوم هجری قمری و یکی از افراد حاضر در زمان ولادت امام جواد بوده است. درباره جزئیات زندگی حکیمه اطلاعات چندانی در منابع تاریخی وجود ندارد. حتی تاریخ تولد و وفاتش ثبت نشده است اما با توجه به اینکه هنگام تولد امام جواد^(ع) حضور داشته، می‌توان گفت سه امام را درک کرده است. به گفته بحرانی، حکیمه عمر طولانی کرده است اما از تأهل یا تجدد ایشان ذکری در کتب تاریخ نیامده است. آنچه مشخص است جایگاه علمی اوست. ایشان از برادر خود امام رضا^(ع) روایت نقل کرده است و به گفته کارشناسان، از روایات نقل شده می‌توان دریافت امام رضا^(ع) او را به اسرارش آگاه کرده بوده است. بحرانی درباره ایشان گفته است: بانو حکیمه عالم و از بزرگان و عابدان و صالحان بودند و عمر طولانی داشتند... ایشان صاحب نفوذ و عقل و درایت بودند و اعتبار و ارزش بسیاری در نزد ائمه معصومین^(ع) و سایر سادات اهل بیت و مردم داشتند. در کتاب‌های اصول کافی، اثبات الهداه و بحار الأنوار روایاتی از حکیمه خاتون و زندگی‌اش نقل‌های آمده است.

۲۳ شهریور
۱۴۰۴
۱۹ مهر ۱۴۴۴ شماره ۳۲۶۹

(۸)

باید خواند و آموخت

نگاهی به کتاب «فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند»

وقتی این کتاب را در دست می‌گیری، بارمانی عاشقانه در ژانر رئال آشنا می‌شوی که بر اساس واقعیتی مستند از زندگی دختران و زنان سرزمینمان نوشته شده است. این رمان به مقایسه دغدغه‌های زن امروز و زن دیروز می‌پردازد. در این مجموعه، ضمن ورود به فضای رمان و تخیل، بخش‌هایی از کتاب به صورت مستند روایت شده است. مستندسازی این رمان کمک شایانی به واقعی‌تر شدن و افزایش باورپذیری داستان می‌کند زیرا وقتی مخاطب می‌بیند داستان صرفاً زاینده تخیلات نویسنده نیست، باور کردن آن برایش راحت‌تر می‌شود. نام شخصیت اصلی این کتاب فرشته است که در طول داستان به کمال نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و با پاکدامنی و تقوایی که به خرج می‌دهد، عشق پاک و سالم خون را به تصویر می‌کشد و به دست می‌آورد. او در جامعه امروزی ایران زندگی می‌کند و می‌کوشد با وجود مشکلات و موانع، با سلاح عفت، حیا و حجاب به درجات بالا برسد. نویسنده رمان «فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند» برای نگارش این کتاب، زندگی ۵۰۱ نفر از زنان ایرانی را بررسی کرده و با زنان بسیاری گفت‌وگو کرده است. این اثر می‌تواند برای قشر نوجوان و جوان به‌ویژه دختران مناسب باشد و جایگزینی برای رمان‌های زرد و بی‌نتیجه قلمداد شود. «فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند» نوشته خانم نعیمه اسلاموست که در سال ۱۳۹۳ به همت نشر تلاوت آرامش با حجم صفحات ۴۱۵ صفحه منتشر شده و تاکنون به چاپ هشتم رسیده است. نعیمه اسلاملو متولد ۱۳۵۸ در کرج است و بیشتر درباره دیدگاه اسلام و غرب درباره پوشش و خانواده می‌نویسد. «زمانی برای زن بودن»، «ما طلبکاریم»، «حریم ریحانه»، «پیشوایان هرزه»، «فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند» و «جواهرگونه» از جمله بیست کتابی است که او نوشته است. ایشان معتقد است باید در حوزه‌های پژوهشی و عملی در تبیین جایگاه زن در اندیشه اسلامی و معرفی زن طراز انقلاب اسلامی به جهانیان الگوی مناسبی ارائه دهیم، نگاهی که متعالی و تکریم‌بخش باشد، و جریان مطالبه‌گری زنان در این عرصه را راه‌اندازی و مدیریت کنیم. نعیمه اسلاملو در سال ۸۹ «بانوی سرافراز اسلامی» شناخته شد.

بخشی از کتاب: با همه علاقه شدیدی که به امیر داشتم هیچ وقت فکرش را نمی‌کردم و انتظارش را نداشتم که امیرحسین علوی جدی و به قول بچه‌ها خشن آن قدر مهربان و با محبت باشد و این قدر به من علاقه داشته باشد

و با تمام وجودش به من ابراز علاقه کند. امیر برایم بعدها تعریف کرد و گفت: توی دانشکده با اینکه چهره خانم‌ها را نگاه نمی‌کردم و درست نمی‌شناختمشون، ولی همیشه احساس می‌کردم دخترایی که اطراف خانم افتخاری هستن با بقیه فرق می‌کنن چون خانم افتخاری با بقیه فرق می‌کنه. چند بار هم که پیش اومد شما سراغش رواج من گرفتین متوجه شدم که از شما دو نفر (من و مریم) یکی تون چادریه. چادری بودنتم برام مهم بود. خانم افتخاری هم چند بار اسم خانم حق جو رو جلو من می‌آورد. نمی‌دونم. شاید از اول هم برای ما نقشه داشته!

فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند

• نویسنده: نعیمه اسلاملو

این راه بی‌پایان است

مراسم تشییع پیکر شهید رسول دوست محمدی، مدافع امنیت، با حضور گسترده مردم به‌ویژه بانوان و دختران برگزار شد. این شهید بزرگوار که دارای دو فرزند چهارده و شش ساله است چهارشنبه گذشته به دست اغتشاش‌گران به شهادت رسید. مادر بزرگوارش در گفت‌وگو با شهرآرا گفت: ما جلو می‌رویم و از شهادت فرزندانمان نگران نخواهیم شد. او بارها برای دفاع از حرم حضرت زینب^(ع) عازم سوریه شد و عاقبت سرنوشتش با شهادت گره خورد.

ضمیمه روزنامه شهرآرا

صاحب امتیاز

و مدیرمسئول:

شهرداری مشهد

مدیرعامل:

سیدمیثم موسوی مهر

سرمدیر:

سید سجاد طلوع هاشمی

دبیرضمانت:

ارژنگ حاتمی

مسئول ضمیمه:

حمیده وحیدی

صفحه آرایی و گرافیک:

ساعده عاشوری

